

## جامی و شبه قاره

### دکتر عارف نوشاهی

جامی هیچ وقت شخصاً به شبه قاره نیامد، اما مانند حافظ شیرازی علاقه قلبی به سفر این سرزمین داشت. چنانکه این آرزو را در نامه‌ای خطاب به ملک‌التجار که ذکرش بعداً می‌آید، بر زبان می‌آورد:

جای آن دارد که آرم رُو به هندوستان که شد

هند رشکِ روم از عکسِ جمال انورش

ملک او هندست و من آن بشر؟ عشقِ آئین که بود

عمرها سودای هند اندر دل غم پرورش<sup>۱</sup>

اما جامی به علت کهولت و پیری خود نتوانست عازم این سفر طولانی بشود.

چنانکه در همین نامه می‌نویسد:

”به واسطه تراحم علائق و تراکم عوائق که از آن جمله مراقبه اوقات کهن

سالی است، شکسته احوال که به حکم «الجتة تحت اقدام الامهات...» این نیت

به عمل نرسید و این منیت محصل نگردید...“<sup>۲</sup>.

پس رابطه جامی با شبه قاره یک گونه رابطه معنوی است. این روابط را می‌توان در

محورهای زیر بررسی کرد:

¶ تاثیر پذیری جامی از شعر سرایان شبه قاره؛

¶ نامه‌نگاری بین جامی و علمای شبه قاره؛

♦ استاد بازنشسته گروه فارسی، دانشکده دولتی گوردن، راولپندی، پاکستان.

۱. جامی، نامه‌ها و منشآت، ص ۲۴۴.

۲. همان.

- ¶ دیدارها بین جامی و علمای شبه قاره؛  
 ¶ ورود آثار جامی در شبه قاره و رواج آنها؛  
 ¶ اعتناء به آثار جامی در شبه قاره و جامی شناسی؛  
 ¶ سیره‌نویسی در احوال جامی در شبه قاره؛

### تاثیر پذیری جامی از شاعران شبه قاره

مولانا جامی بین شعر سرایان هند، از هر شاعری بیشتر، از یمین‌الدین ابوالحسن خسرو دهلوی (۷۲۵-۶۵۱ هـ) تاثیرپذیر بود. در آثار جامی نشانه‌های فراوان ظاهری و معنوی از این تاثیرپذیری به دست ما می‌رسد.

جامی در روضه هفتم بهارستان شرح حال امیر خسرو را نیز با همان شان و شکوه آورده است که از دیگر استادان سخن. جامی در نفعات‌الانس ترجمه فقط چند شیخ طریقت شبه قاره را آورده است که بین آنها، امیر خسرو نیز است.

جامی از غزل امیر خسرو بسیار تاثیر پذیرفته بود. محقق تاجیکی، اعلا خان افصح‌زاد، پژوهش بسیار جامع در این موضوع کرده است. به قول او در ایجاد غزل، جامی از امیر خسرو تاثیر گرفته، در موردهای گوناگون، گاه به طریق فخر، گاه به طرز احترام و شکسته نفسی به این مطلب اشاره می‌کند... برای درک رابطه ایجاد جامی و خسرو در غزل‌نویسی به دو مسئله زیرین توجهی خاص گماشتن لازم است:

اول: جامی نسبت به غزل‌های خسرو چه عقیده‌ای دارد؟

دوم: جامی از کدام نوع غزل‌های خسرو پیروی می‌کند؟

پیش از همه دقت و توجه او [جامی] را غزل‌های عاشقانه خسرو جلب می‌کرده‌اند.

خود جامی خاطر نشان می‌کند که بیان سوز و درد را او از خسرو آموخته...:

جامی نیم که خسرو وقتم به مُلک عشق      منشور خسروی، غزل عاشقانه‌ام

جامی از خسرو همی‌گیرد طریق سوز و درد      طور او نبود خیالات محال انگیختن

یا:

تا کند نسخه خسرو که بود طوطی هند      جامی از رشخ نی کلک شکر می‌سازد

... جامی تقریباً ۳۰ تا ۳۶ غزل خسرو را جواب نوشته است که فخری هروی در کتاب خود تحفة الحبيب (تألیف ۹۲۹ ه) آورده است.<sup>۱</sup>

تتبع جامی از خسرو فقط به غزل محدود نیست، بلکه در قصیده هم مقلد خسرو است. قصیده‌های جامی، جلاء الروح و لجة الاسرار، در تقلید از خسرو سروده شده است. اگر مثنوی‌های جامی بررسی شود، جامی خمسۀ خود را با افزودن دو مثنوی، هفت اورنگ سروده است. در این مثنویات جامی به خمسۀ خسرو و پنج گنج نظامی تأسی جسته شده است. در خردنامه اسکندری به این موضوع اشاره کرده است:

نظامی که استاد این فن وی است      درین بزم‌گه شمع روشن وی است  
 ز ویرانه گنج شد گنج سنج      رسانید گنج گهر را به پنج  
 چو خسرو به آن پنجه هم پنجه شد      وزان بازوی فکرتش رنجه شد  
 من و شرم‌ساری زده گنجشان      که این پنج من نیست ده پنجشان<sup>۲</sup>

هنگام تنظیم دیوان شعرهای خود هم، دیوان‌های خسرو سرمشق جامی بود. چنانچه مثل خسرو، جامی نیز اشعار خود را که در سه مقطع زندگانش سروده بود، در سه دیوان گردآورد.

علاوه بر تتبع و تقلید، جامی در شرح بیت‌های متفرق خسرو هم رساله‌های مستقل نوشته است. مانند شرح بیت خسرو:

ز دریای شهادت چون نهنگ «لا» برآرد سر      تیمم فرض گردد نوح را در عین طوفانش  
 و شرح این بیت قران‌السعدین خسرو:  
 ماه نوی که اصل وی از سال خاست      گشت یکی ماه به ده سال راست

### نامه‌نگاری با علمای شبه قاره

عبدالغفور لاری، در احوال جامی می‌نویسد:

”سلاطین و بزرگان دیگر از هر صوب چون ترکستان، هندوستان... که ازین

۱. افصح‌زاد، نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی، ۳۸۳-۳۸۸ ملخصاً؛ نیز: محمود عابدی، قطره‌ای از دریا (جامی و امیر خسرو دهلوی)، آینه میراث، تهران، شماره ۳۲، ص ۴۲-۵۰.  
 ۲. جامی، هفت اورنگ، ۹۲۸-۹۲۷.

(منظور شرفِ صحبتِ جامی است) مهجور و ازین سعادت دور بودند،  
دایم‌الاقوات به وسیله نامه‌ای یا ارسال هدیه‌ای و تحفه‌ای خود را بر خاطر  
خطیر و ضمیر منیر حضرت ایشان می‌گذرانیدند<sup>۱</sup>.  
جامی با افرادی به شرح زیر در شبه قاره مکاتبه داشت:

**الف: ملک‌التجّار دکن (۸۸۶-۸۱۸ هـ):** خواجه جهان عمادالدین محمود گیلانی معروف  
به محمود گاوآن در سال ۸۵۱ هـ به غرض تجارت، از گیلان به احمدآباد رسید و  
نظر سلطان علاءالدین بهمنی (۸۶۲-۸۳۸ هـ) را جلب کرد. سلطان او را در دربار  
خود پذیرفت. همایون شاه بهمنی (۸۶۵-۸۶۲ هـ) لقب ملک‌التجّار به محمود گاوآن  
داد و پیش از مرگ خویش (۸۶۵ هـ) برای پسر خردسال خود نظام شاه بهمنی  
(۸۶۷-۸۶۵ هـ) ملک‌التجّار را وزیر برگماشت. اما رشد و محبوبیت واقعی محمود  
گاوآن در زمان سلطان محمد شاه بهمنی (۸۸۷-۸۶۷ هـ) قرار گشت.

محمود گاوآن صوفی مشرب بود از بصیرت سیاسی و بازرگانی برخوردار بود و در  
علوم منقول و معقول مهارت داشت. در انشاءنویسی فارسی استاد بود. از آثار او  
ریاض‌الانشاء، مناظرالانشاء و قواعدالانشاء، نشانگر تبحر مؤلف در انشاءنویسی است.<sup>۲</sup>  
عبدالواسع باخرزی (درگذشته ۹۰۹) او را با نام و القاب «خواجه کمال‌الدین  
محمود قاون جمله‌الملکِ مُلکِ گلبرگه» یاد کرده است و روابط او با جامی را نشان داده  
است. به گفته او: [محمود قاون/گاوآن] «هر سال موازی ده هزار دینار کپکی از نفایس  
تنسوقات و تبرکات دیار هند به رسم تحفه آن آستان [جامی]... می‌فرستاد». او برای  
آوردن جامی به هند بسیار تلاش کرد تا جایی که می‌گفت:

«اگر به یقین دانم که آن حضرت در عزم توجه بر این سرزمین وظیفه التفات  
به تقدیم می‌رسانند، بنده به رسم نثار از جنس زر و لعل و یاقوت و گهر همه  
جوانان صبیح‌الوجه رشیق‌القد مصر و شام و عراق و خراسان را هر چند زودتر  
به دیار دکن... می‌رسانم»<sup>۳</sup>.

۱. لاری، تکمله حواشی نفعات‌الانس، ص ۳۷.

۲. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۹۹-۵۱۰ ملخصاً.

۳. عبدالواسع، مقامات جامی، ۲۱۶-۲۱۵.

مدرک مکاتبت بین جامی و محمود گاوآن از انشای جامی و ریاض الانشاء به دست می‌رسد. هر دو یکدیگر را به نهایت احترام مخاطب کرده‌اند. مثلاً جامی در نامه خود القاب زیر را برای محمود گاوآن به کار برده است:

”به عالی جناب، تقابت قباب، ایالت ایاب، مخدومی، اعظمی، اکملی، اکرمی، الذی یقصر البیان عن ان یحیط بالقابه بل اللقب مطروحة دون سُدّة بابه مدالله تعالی ظلال افضاله غیاثا للدنیا والدین مغیثا للاسلام و المسلمین“<sup>۱</sup>.

جامی در نامه‌هایی خطاب به ملک‌التجار معمولاً نکات تصوف را بیان کرده است. درین نامه‌ها، جامی از بیت‌های فارسی و عربی نیز استفاده کرده است. جامی چنین نثر متکلف را در جواب نثر متکلف محمود گاوآن برگزید.

پیوند مودّت و محبت که بین جامی و محمود گاوآن قرار گرفته بود، بنابراین جامی در بیت‌های خود هم محمود گاوآن را ذکر نموده است و در جواب نامه او، قصیده‌ای مفصل در ستایش محمود سروده است، که مطلعش است:

مرحبا ای قاصد ملک معانی مرحبا الصلا کز جان و دل نذر تو کردم الصلا

در این قصیده مفصل، جامی نثرنویسی و شعرسرایی استاد ادوار محمود گاوآن را ستوده و آرزوی دیدار با وی را اظهار نموده است، اما:

از گران جانی نیارم سویت آمد، ورنه هست جذب شوق از پیش روی و دفع اضداد از قفا<sup>۲</sup>

با در نظر گرفتن انشای جامی و ریاض الانشاء، عمق ارتباط و نوع مراسلت بین همدیگر را می‌توان حس کرد. در ریاض الانشاء ۷ نامه خطاب به جامی است. (در ریاض الانشاء، نامه‌های شماره ۲، ۳۸، ۴۰، ۵۸، ۶۴، ۱۰۲، ۱۳۱ خطاب به جامی است.) محمود گاوآن در نامه‌ای، جامی را به سفر هند دعوت کرده است:

”اگر رباع و بقاع این مرز و بوم را به قدوم فیض موسوم منور سازند و دماغ

جان و راغ جنان اهل این مکان را به نسیم ملاقات مضاهات معطر گردانند، از

۱. جامی، نامه‌ها و منشآت جامی، ۲۳۹.

۲. صفاء، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۵۰۸-۵۰۷؛ جامی، دیوان، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۲۴، عنوان قصیده ”این نامه خواجه جهان راست جواب“.

مکارم عرفان و لوازم احسان آن مطلع مهر ایقان عجیب و غریب نخواهد بود<sup>۱</sup>. اما جامی در پاسخ عذر خواست:

”به واسطه تراحم علائق و تراکم عوائق که از آن جمله مراقبه اوقات کهن سالی است، شکسته احوال که به حکم ”الجتة تحت اقدام الامهات...“ این نیت به عمل نرسید و این منیت محصل نگردید... به این همه امید چنان است که حضرت مسبب الاسباب جل شانہ سببی که متضمن نیل این دولت و متکفل ادراک این سعادت باشد، مهیا دارد و میسر گرداند<sup>۲</sup>.”

سالمندی که جامی در اینجا ذکر نموده، از نامه دیگر او به محمود گاوآن هم تأیید می شود:

”فقیر را سنین از ستین گذشته و بر حدود سبعین مشرف گشته<sup>۳</sup>.”

یعنی آن موقع سن جامی از شصت سال تجاوز کرده بود و به هفتاد سالگی رسیده بود و این زمان مصادف با ۸۷۷ و ۸۸۷ هـ می شود. چون با همین نامه، جامی نسخه نفحات الانس (تألیف ۸۸۳ هـ) هم برای محمود گاوآن فرستاده بود، لذا می توان تخمین زد که این نامه بین ۸۸۳ و ۸۸۷ هـ نوشته شده باشد.

سید محمد بیدری که یکی از مورخان معاصر دکن است، می گوید که محمود گاوآن کتاب الانوار تألیف مولانا عین الدین بیجاپوری را که تذکره مشایخ و بزرگان است، بعد از تصحیح و تجدید نظر خود به خدمت مولانا جامی فرستاد و ازو تقاضا کرد که تراجم بیشتر براین بیفزاید<sup>۴</sup>.

محمد بیدری می گوید که جامی نفحات را به خواهش محمود گاوآن تألیف کرد که صحّت ندارد.

رساله سوال و جواب هندوستان در فهرست آثار جامی نام رساله فوق الذکر آمده است. اگرچه ما این رساله را به دست نیاورده ایم، اما از نامش پیداست که جامی این را

۱. محمود گاوآن، ریاض الانشا، ۲۲.

۲. جامی، نامه ها و منشآت جامی، ۲۴۴-۲۴۵.

۳. همان، ۲۴۸.

۴. محمد بیدری، مدرسه محمود گاوآن بیدر، ۵۶-۵۷.

در پاسخ سؤالی یا سؤال‌هایی نوشته که از جانب کسانی از هند فرستاده شد، چون در مسایل تصوف و علمی جامی فقط با محمود گاوآن مکاتبت داشت، گمان می‌رود که این رساله، در جواب سؤالی فقط از محمود گاوآن نوشته شده باشد.

ب: **خواجه علی بن ملک‌التجار** در انشای جامی مکتوبی به نام خواجه علی پسر ملک‌التجار هم است، که در آن جامی برای او احساساتی سرشار از محبت و مودت ابراز کرده است.<sup>۱</sup>

ج: **سید عبدالله حسینی** (م ۹۷۸ هـ)، (اوچ شریف) مکاتبت جامی با وی را متعاقباً در همین گفتار بررسی خواهیم کرد.

#### دیدار جامی با علما و شعر سرایان هند

شیخ حامد بن فضل الله جمالی دهلوی (۸۶۳ هـ - ۱۰ ذی‌القعدة ۹۴۲ هـ / ۱۴۵۹ - ۱۵۳۶ هـ) شاعر، ادیب، سیاح و صوفی طریقه سهروردی، از ناموران زمان خود بود. جامی شعر او را تحسین کرد و سزاوار لقب «خسرو ثانی» شد. مولانا جمالی در میان ۸۹۷ هـ و ۹۰۱ هـ سفر طولانی به بلاد اسلامی عرب و عجم داشت. در حین سفر او به هرات رسید و با ناموران آن زمان، به ویژه جامی دیدار کرد. شیخ جمالی گزارش این دیدار را در سیرالعارفین داده است. در حین اقامت در هرات، جمالی، همراه جامی و عبدالغفور لاری سر خاک سید امیر حسینی هروی (د: ۷۱۸ هـ) مؤلف نزهةالارواح هم رفت.

#### ورود آثار جامی در شبه قاره و محبوبیت آنها

لاری بعد از ذکر مکاتبت جامی با پادشاهان و بزرگان سرزمین‌های دیگر (به شمول هند) علاوه می‌کند:

”حضرت ایشان - علیه الرحمة والرضوان - از مصنفات خود مناسب هرکس چیزی به هر جانب می‌فرستادند و هر کسی را به قدر حال به اکرام نامه‌ای و اعزاز رقمه‌ای سرفراز می‌گردانیدند“<sup>۲</sup>.

۱. محمد باقر، روابط... جامی با هند و پاکستان، ص ۵۵.

۲. لاری، تکملة حواشی نفحات‌الانس، ص ۳۷.

جامی همراه نامه‌های خود به کسانی که در هند بودند، آثار خود را هم می‌فرستاد. بدین نحو ورود آثار جامی در هند در حین حیات او آغاز شد. در این ضمن می‌توانیم برخی از آثار جامی، رسیده به شبه قاره، را نام ببریم:

#### ۱. نفحات الانس:

زمان تالیف نفحات الانس ۸۸۳-۸۸۱ است. حدوداً چهار سال بعد از تالیف، یعنی در سال ۸۸۷ جامی نسخه‌ای از نفحات را با نامه‌ای برای محمود گاوآن فرستاد. جامی در آن نامه می‌نویسد:

”مجموعه‌ای مسمی به نفحات الانس من الحضرات القدس از مقامات و حالات درویشان و معارف و مقالات ایشان جمع کرده شده بود، تحفه آن مجمع مکارم می‌گردد. امیدواری چنان است که مواظبت بر مطالعه آن سخنان و تأمل شافی در آن خاصیت دولت مصاحبت ایشان دهد و جمعیت تمام حاصل آید“<sup>۱</sup>.

۲. رساله در حقایق دین:

جامی این رساله را هم برای ملک‌التجار فرستاده بود. در نامه منظوم خود، جامی می‌نویسد:

بعد رفع سلام و سوق کلام	در بیان کمال شوق و غرام
می‌کند عرضه با هزار نیاز	بنده جامی درین جریده راز
نکته ای چند از حقایق دین	و ز مواجید اهل کشف و یقین
همه مستنبط از حدیث و کتاب	همه سنجیده اولوالالباب
معرفت بخش اهل علم و عمل	وحشت انگیز اهل زرق و حیل
گرچه دور است زان نصاب هنوز	که به ختمش شود خرد فیروز
کردم اندک نمونه‌ای ارسال	سوی گنجور و گنج فضل و کمال <sup>۲</sup>

#### ۳. کلام جامی:

سید عبدالله (د: ۹۷۸) فرزند دوم مخدوم سید محمد الحسینی الجیلانی الاچی (د:

۱. جامی، نامه‌ها و منشآت جامی، ص ۲۸۵.

۲. همان، ص ۲۷۴.



(۹۳۲) از لحاظ فضیلت علمی و روحانی، لطافت طبع و ذوق سلیم در زمان خود بی‌نظیر بود. می‌گویند که وقتی جامی فضایل ایشان را شنیده، بیت‌های خود برایشان فرستاد. "عارف نامی مولانا عبدالرحمان جامی به استماع خبر فضائل آن جناب اشعارات [کذا] تصنیف کرده خود به جانب آن جناب می‌فرستاد"<sup>۱</sup>.

### محبوبیت آثار جامی در شبه قاره

شیر علی خان لودی در تذکره مرآت‌الخیال (سال تالیف ۱۱۰۲) ضمن احوال جامی می‌نویسد: "نود و نه کتاب تصنیف نموده، همه آنها در ایران و توران و هندوستان نزد اهل دانش مقبول افتاد و هیچ کس انگشت اعتراض بر آن نتوانست نهاد"<sup>۲</sup>. علت محبوبیت آثار جامی در شبه قاره روشن است. زیرا افکار و عقاید مذهبی جامی که بر اصول کلام اهل سنت و جماعت است، همسویی با افکار عامه مسلمانان شبه قاره دارد. گرایش‌های عرفانی جامی نیز مورد پسند مسلمانان شبه قاره است. از سویی سبک شعر جامی مطابق سبک شعر امیر خسرو است. سبک پیچیده هندی از هرات، به وسیله جامی و بابا فغانی به دهلی و دکن رسید<sup>۳</sup>.

### اعتناء به آثار جامی در شبه قاره و جامی‌شناسی

صرف نظر از تصوف و شعر، اگر علوم نقلی را بگیریم، فوایدالضیائیه جامی که خود شرحی بر کافیة ابن حاجب در علم نحو است، در مدارس و مکاتب شبه قاره بسیار مقبول بوده بین علما و طلبا این کتاب با نام شرح ملا جامی معروف است. مولانا عبدالحکیم سیالکوتی (د: ۱۰۶۷ هـ)، که تبحر او در جهان دانش پذیرفته شده است، نقشی بزرگ در ترویج فوایدالضیائیه جامی دارد. نخست او حاشیه ناتمام عبدالغفور لاری بر فوایدالضیائیه را تکمیل کرد و بعد خود حاشیه بر حاشیه عبدالغفور نوشت. گردآوری شواهد اعتناء به آثار جامی در شبه قاره در ادوار مختلف، کاری چندان

۱. عبدالحق دهلوی، اخبارالاخیار، ص ۴۰۳؛ غلام سرور لاهوری، خزینةالاصفیا، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲. لودی، تذکره مرآت‌الخیال، ص ۵۹.

۳. بهار، سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۲۲۷.

دشوار نیست. پیش از ورود صنعت چاپ در شبه قاره، هیچ کتابخانه‌ای در این سامان، خالی از نسخه‌های خطی نیست. فهرست‌هایی که تاکنون از دستنویس‌های شبه قاره به چاپ رسیده است، بهترین گواه بر این ادعاست که جامی از جمله مؤلفان فارسی زبان است که تعداد مجموع نسخه‌های خطی آثار او در شبه قاره از دیگر مؤلفان بیشتر و بالاتر است. وقتی صنعت چاپ و چاپخانه در شبه قاره وارد شد، چاپ گسترده آثار جامی آغاز شد. آماري که به شرح زیر آمده، بر اساس کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره از سال ۱۷۸۱ تا ۲۰۰۷ میلادی تالیف خودم است.

کلیات جامی یا دیوان جامی، ۱۵ چاپ، قدیم‌ترین چاپ کلکته، ۱۸۱۱ م.

یوسف و زلیخا، ۱۲۴ چاپ، قدیم‌ترین چاپ کلکته، ۱۸۱۱ م.

سبحة‌الابرار، ۱۰ چاپ، قدیم‌ترین چاپ کلکته، ۱۸۱۱ م.

سلسله‌الذهب، ۷ چاپ، قدیم‌ترین چاپ بمبئی، ۱۸۶۷ م.

تحفة‌الاحرار، ۱۷ چاپ، قدیم‌ترین چاپ مطبع هوپ لاهور، ۱۲۴۰ هـ / ۱۸۶۳-۶۴ م.

نفحات‌الانس، ۱۳ چاپ، قدیم‌ترین چاپ بمبئی، ۱۸۶۷ م.

لوايح، ۱۴ چاپ، قدیم‌ترین چاپ لکهنو، ۱۸۸۰ م.

یکی از معیارهای سنجش محبوبیت جامی در شبه قاره، تعدد ترجمه‌ها، شرح‌ها و فرهنگ‌های آثار جامی است که مترجمان، شارحان و فرهنگ‌نویسان شبه قاره انجام داده‌اند.

### شرح‌ها و حاشیه‌های فارسی «تحفة‌الاحرار»

۲ محمد رضا بن محمد اکرم ملتانی، سال تالیف ۱۱۵۵ یا ۱۱۷۲ هـ

۲ محمد بن غلام محمد گهلوی، (مرید نور محمد ثانی چشتی نارووالا، متوفی ۱۲۰۴ هـ)

۲ شیخ احمد بن شیخ فتح محمد بن یوسف قریشی هاشمی، قرن ۱۳ هـ ساکن قریه عالم

خان، نزد دیره غازی خان، او دو شرح بر تحفه نوشته، یک مفصل و دیگری مجمل.

۲ قائم شاه، برای پسرش سید محمد شاه شرحی نوشت.

۲ ابوالبرکات خیرالدین مشهور به صابر ملتانی فرهنگی نوشت.

شرح فارسی «سبحةالابرار»

از محمد بن غلام محمد گهلوی.

ترجمه اردوی شواهد النبوة

از بشیر حسین ناظم (چاپ لاهور)

حواشی و شروح فواید الضیائیة (شرح جامی)

- 2 حاشیه از شیخ وجیه‌الدین علوی گجراتی (محرم ۹۱۱-۲۹ صفر ۹۹۸)
  - 2 حاشیه از مولانا عبدالنبی شطاری اکبرآبادی (زنده در ۱۰۲۰)
  - 2 حاشیه از مسیح‌الاولیاء شیخ عیسی برهانپوری سندهی (د: ۱۳ شوال ۱۰۳۱)، برای تحصیل پسرش شیخ عبدالستار نوشت.
  - 2 حاشیه از عصمت الله سهارنپوری (د: ۱۰۳۹ هـ)
  - 2 حاشیه از شیخ عبدالحق محدث دهلوی (د: ۱۰۵۲ هـ)
  - 2 حاشیه بر حاشیه عبدالغفور لاری بر شرح جامی؛ و تکملة حاشیه عبدالغفور بر شرح جامی به عربی از مولانا عبدالحکیم سیالکوتی (د: ۱۰۶۷ هـ).
  - 2 شرح شرح ملا جامی و حاشیه شرح ملا جامی از شیخ نورالدین احمدآبادی گجراتی (۱۰ جمادی‌الاول ۱۰۶۳- شعبان ۱۱۵۵)
  - 2 حاشیه از ملا محمد صادق
  - 2 چراغ یا کشف‌المواضع الخفیه من فواید الضیائیة از محمد گل بن شیخ امام محمد رضا ذکوری مجلّدی
  - 2 انتخاب بی‌بدیل (حاشیه حاشیه جامی) از محمد سعد جعفری
  - 2 حاشیه فواید الضیائیة از محمد شوکت علی صدیقی سندیلوی (متولد ۱۲۳۴ هـ)
  - 2 حاشیه شرح جامی از مولانا تراب علی لکهنوی (د: ۱۲۸۱ هـ)
- حواشی و شرح‌های دیگر هم بر فواید الضیائیة وجود دارد که شارح و حاشیه‌نویس آنها معلوم نیست.

### شرح‌های فارسی لوائج

- ۲ شیخ عبدالملک مشهور به امان الله پانی پتی (د: ۱۲ ربیع الآخر، ۹۵۷)
- ۲ شیخ تاج‌الدین دهلوی، شاگرد شیخ امان الله پانی پتی.
- ۲ مولانا عبدالنبی شطاری اکبرآبادی، او دو شرح بر لوائج دارد، یک مفصل با نام فواتح الانوار شرح لوائج الاسرار (تاریخ تصنیف: ۸ ذی‌الحجه ۱۰۲۰) و دیگری خلاصه همین شرح با نام روایح.
- ۲ محمد بن فضل الله (د: ۱۰۲۹ هـ) مرید شیخ وجیه‌الدین علوی گجراتی بودند. کتاب عربی‌اش التحفة المرسله الی النبی بسیار معروف است. او حاشیه العجیبه اللامعة فی حل بعض اللوائج بر لوائج نوشت.
- ۲ عبدالله خویشگی قصوری (۱۰۴۳-۱۱۰۶ هـ)، روایح شرح لوائج.
- ۲ محمد شریف بن نظام‌الدین علوی هروی، روایح فی حل کلمات اللوائج.

### ترجمه‌ها و شرح‌های اردو لوائج

- ۲ لقمان‌الدین قادری فاضلی امرتسری، سال تالیف ۱۳۴۹ هـ چاپ لاهور.
- ۲ فیض الحسن فیضی جالندهری، چاپ لاهور ۱۳۹۹ هـ.
- ۲ محمد عبدالرشید فاضل، شرح لوائج جامی، چاپ کراچی، ۱۹۸۵ م.
- ۲ واحد بخش سیال ربانی، شرح لوائج جامی، ۱۹۸۶ م، چاپ لاهور.
- لوائج و اشعار جامی در میان مشایخ و صوفیان طریقه چشتیه شبه قاره بسیار محبوبیت داشت. نه فقط خود مشایخ چشتیه لوائج را می‌خواندند بلکه به دیگران نیز توصیه می‌کردند. ما اینجا چند مثال از مشایخ متاخر پنجاب می‌آوریم:
- خواجه فخرالدین محمد «فخرجهان» دهلوی (۱۱۲۶-۱۱۹۹ هـ/۱۷۱۷-۱۷۸۵ م) که مجدّد سلسله چشتیه نظامیه به شمار می‌آید، به تصانیف جامی علاقه بسیار داشت. پیش پدرش، خواجه نظام‌الدین اورنگ‌آبادی (د: ۱۱۴۲ هـ) درس نفحات الانس خوانده بود<sup>۱</sup> او با دستخط خود چند کتاب به قاضی محمد عاقل خلیفه اکبر خواجه نور محمد مهاروی داده بود.

۱. نجم‌الدین، مناقب‌المحبوبین، ص ۵۰.

میان این کتاب‌ها لوایح، شرح لوایح، قصیده خمیره و شرح رباعیات جامی نیز بود.<sup>۱</sup> خواجه نور محمد مهاروی (۱۱۴۲-۱۲۰۵ هـ/۱۷۳۰-۱۷۹۰ م) در خدمت شیخ خود، شاه فخرالدین محمد «فخرجهان» دهلوی هشت بار درس لوایح فراگرفت. حافظ محمد جمال ملتانی (د: ۱۲۲۶)، خلیفه خواجه نور محمد مهاروی علاقه‌مند به تصانیف جامی نفحات الانس، لوایح و اشعة اللمعات بود.<sup>۲</sup> قاضی محمد عاقل، حافظ محمد جمال ملتانی و خواجه نور محمد ثانی نارووالا، هر سه باهم درس لوایح در محضر خواجه نور محمد در مهار خوانده بودند.<sup>۳</sup> خواجه محمد سلیمان تونسوی (۱۱۸۴-۱۲۶۷/۱۷۷۰-۱۸۵۰ م) درس لوایح را نزد شیخ خود خواجه نور محمد مهاروی گرفته بود. خواجه تونسوی خودش هم درس لوایح، شرح لمعات عراقی از جامی و نفحات الانس می‌داد.<sup>۴</sup> مسئله وحدت الوجود را علنی بیان نمی‌کرد چنانچه لوایح و دیگر کتب مشابه را پشت در تدریس می‌کرد. از قوالان بیشتر کلام حافظ و جامی می‌شنید، زیرا در کلام این دو شاعر، موضوع توحید به طور سمبولیک و با رمز بیان شده است. در محافل سماع از شنیدن اشعار جامی به حالت وجد می‌رفت.<sup>۵</sup>

خواجه غلام فرید چشتی (۱۲۶۱-۱۳۱۹/۱۸۴۵-۱۹۰۱ م مدفون کوت متهن) در ملفوظات خود، اشارات فریدی/مقایس المجالس مکرر به ذکر جامی پرداخته است و مناقب او را بیان کرده است. او می‌گفت که شیخ او، مولانا غلام فخرالدین «فخرالاولیا» (د: ۵ جمادی الاول ۱۲۸۸ هـ) و شیخ این یکی، خواجه خدابخش محبوب الهی (د: ۱۲ ذی حجه ۱۲۶۹) مولانا جامی را پیر خود می‌گفتند (ص ۱۰۵۷). خواجه غلام فرید در ملفوظات خود اهمیت لوایح را نزد مشایخ چشتیه به خوبی آشکار کرده است. این کتاب دستورالعمل مشایخ چشتیه بود و این را بسیار متبرک می‌داشتند. خواجه محمد

۱. نجم‌الدین، مناقب‌المحبوبین، ص ۱۱۸.

۲. همان، ص ۱۳۱.

۳. گلهوی، محمد، خیرالاذکار فی مناقب‌الابرار، ترتیب و حواشی عبدالعزیز ساحر، ص ۷۹.

۴. همان، ص ۲۸۳، ۳۱۳.

۵. همان، ص ۱۶۶، ۳۰۸، ۳۰۹.

عافل سلطان اولیا، نیای بزرگ خواجه غلام فرید، از خواجه نور محمد مهاروی یازده دوره لوایح را خوانده بود. خود خواجه غلام فرید در خدمت شیخ خود سه دوره لوایح را تمام کرد (ص ۶۸۷). خواجه غلام فرید در مجالس خود نکات لوایح را توضیح می‌داد و شرح می‌فرمود، چنانکه این شرح‌ها در اشارات فریدی/مقابیس‌المجالس نوشته شده است (ص ۵۹۵، ۶۰۴). او در مجالس خود مطالب لوایح را به نحوی بیان می‌کرد که شنوندگان به خواندن لوایح علاقه‌مند شوند. باری فرمود که مطالعة فقرات خواجه عبیدالله احرار و لوایح جامی، درون خواننده جذب می‌آورد و اگر کسی در راه عرفان مقصد خود را تعیین کند و این دو کتاب را بخواند حتماً در درونش جذب به وجود خواهد آمد (ص ۶۸۷). می‌گفت که او و پیرانش که بعد از مولانا جامی بوده‌اند، در مسئله توحید وجودی پیرو جامی‌اند (ص ۱۰۳۶). او برای روا بودن سماع نزد مشایخ چشتیه دلیل می‌آورد که مولانا جامی علی‌رغم نقشبندی بودن، سماع را مستحسن می‌دانست و علاقه‌مند بود (ص ۱۰۳۹). خواجه غلام فرید راجع به کلام جامی می‌فرمود که بی‌نهایت عالی است و بیشتر از کلام شعرای دیگر در مجالس اعراس خوانده می‌شود (ص ۷۷۶).

خواجه شمس‌الدین سیالوی (۱۲۱۴-۱۳۰۰ هـ/۱۷۹۹-۱۸۸۳ م) در تونس در خدمت خواجه محمد سلیمان تونسوی لوایح جامی و شرح لمعات جامی خوانده بود. او می‌گفت که برخی مردم علوم ظاهری را می‌خوانند اما کتب سلوک و توحید مانند آثار امام غزالی و مولانا جامی را نمی‌خوانند. در حالی که مقصد نهایی تحصیل علم، رسیدن به حق است.<sup>۱</sup>

### نفحات الانس

تاج‌الدین زکریا بن بهاء‌الدین زکریا دهلوی، شاگرد شیخ امان‌الله پانی‌پتی بود و نفحات را به زبان عربی ترجمه کرد.<sup>۲</sup>

۱. محمد سعید، مرآت‌العاشقین (فارسی)، ص ۱۶، ۴۵، ۲۱۸.

۲. پیر احمد، عربی ادبیات میں پاک و ہند کا حصہ، ص ۱۱۲.

### ترجمه‌های نفحات الانس به زبان اردو

- ۲ حافظ سید احمد علی چشتی (د: ۱۳۴۱ هـ)، چاپ لاهور.
- ۲ صفات صوفیه از محمد ادريس الانصاری ساکن صادق‌آباد پنجاب. فقط ترجمه مقدمه نفحات الانس است، چاپ ۱۴۰۷، (اختر راهی، ترجمه‌های متون فارسی به زبان‌های پاکستانی، ۲۲۷ که به خطا نام ترجمه را حیات صوفیه نوشته است).
- ۲ شمس بریلوی، چاپ کراچی، ۱۹۸۲ م.
- جهان‌آرا بیگم دختر شاهجهان پادشاه برادرش داراشکوه را بسیار دوست داشت. در ۱۰۴۹ شاهجهان داراشکوه را به لشکرکشی به کابل فرستاد. جدایی برادرش برای جهان‌آرا بسیار سخت بود. در این لحظه داراشکوه به خواهرش توصیه کرد که برای تسلاهی خاطر نفحات الانس بخواند. جهان‌آرا به پند برادرش عمل کرد و نفحات الانس را دوست داشت و همیشه می‌خواند. جهان‌آرا این موضوع را خود بیان کرده است:
- ”در وقت وداع آن برادر والا گوهر مرا به مطالعه کتاب مستطاب نفحات الانس راهنمونی کردند. به موجب فرموده ایشان کتاب والا خطاب مذکوره را مصاحب جانی خود ساختم و همیشه و همواره پیش نظر داشتم و مطالعه می‌نمودم“<sup>۱</sup>.

### نقدالنصوص

خواجه سید آل احمد سهسوانی (د: ۱۲۵۹ هـ) نقدالنصوص جامی را بیست و هشت دور خواند و بعد شرح عربی با نام البیان المرصوص تالیف کرده به خدمت پدر بزرگوار تقدیم کرد.<sup>۲</sup>

### یوسف و زلیخا

مثنوی یوسف و زلیخا یکی از کتاب‌های پرآوازه جامی در شبه قاره است. توجهی که به این کتاب در شبه قاره شده، شاید به هیچ اثر دیگر جامی نشده است. یکی از دلایل اعتنا، شامل بودن این کتاب در نصاب درسی است. در زمان‌ها و زبان‌های مختلف

۱. جهان‌آرا، صاحبه، ص ۱۹.

۲. عبدالباقی سهسوانی، حیات‌العلماء، ص ۱۹.

شبه قاره، بسیاری شاعران جواب یوسف و زلیخا را گفته‌اند یا به تقلید از آن مثنویات سروده‌اند که جداگانه موضوع بررسی و تحقیق است. این مثنوی که جنبه عشقی و ادبی دارد، در میان حلقه صوفیان نیز طرفدار داشت، چنانکه خواجه شاه الله‌بخش تونسوی، یکی از بزرگان متأخر چشتی، به سماع علاقه داشت. قوالان خانقاه او این مثنوی را از اول تا آخر از بر داشتند و قوالان به فرمایش خواجه قسمت‌های برگزیده را در جلسات سماع می‌خواندند.<sup>۱</sup> در برخی خانقاه‌های چشتی این مثنوی جزو برنامه درسی کتب عرفانی بود و به سالکان تدریس می‌شد.

### شرح‌های فارسی یوسف و زلیخا

- ۲ میر نورالله احراری دهلوی در ۱۰۷۳ هـ
- ۲ عبدالواسع هانسوی (معاصر عالمگیر پادشاه ۱۰۶۸-۱۱۱۸ هـ)
- ۲ یادداشت‌های حکیم محمد ساجد جهجانوی را شاگردش محمد شاه در ۱۱۵۷ هـ گردآورد.
- ۲ محمد رضا محمد اکرم ملتانی (زنده در ۱۱۷۲ هـ)
- ۲ تحفة الناظمین از محمد سلطان خوشابی (زنده در ۱۲۰۴ هـ)
- ۲ محمد گل بن محمد نور، از اولاد حاجی بهادر نقشبندی (اواخر قرن ۱۲ هـ)
- ۲ محمد بن غلام محمد گهلوی ملتانی (مرید نور محمد ثانی چشتی نارووالا، د: ۱۲۰۴ هـ)
- ۲ صاحب عالم بن محمد اکرم بن محمد اعظم مفتی کوهات، در ۱۲۰۹ هـ شرحی نگاشت.
- ۲ معین‌الدین ولی ختکی زیارتی
- ۲ مولوی نظام‌الدین راجپوت، ساکن عبایی‌پور، ضلع گورداس‌پور، در ۱۹۰۸ بکرمی شرح نوشت.
- ۲ سید وزیر علی عبرتی در ۱۲۸۶ هجری یوسف و زلیخا را به نثر فارسی برگرداند و اسمش را اعجاز محبت گذاشت.

۱. غلام نظام‌الدین مرولوی، ایکٹ سوایکٹ سال بعد، ضمیمه مرآت‌العاشقین (ترجمه اردو)، ص ۲۹۸.



## ترجمه‌های منظوم یوسف و زلیخا به زبان اردو

- 2 محمد امین گودهری والا (سال تکمیل ۱۱۰۹ هـ)  
 2 قادر علی فگار عظیم‌آبادی، به نام عشق نامه (سال تکمیل ۱۲۰۸ هـ)  
 2 مجیب الله (سال تکمیل ۱۲۳۰ هـ)  
 2 نند کشور (سال تکمیل ۱۲۸۸ هـ)  
 2 احمد علی

## ترجمه‌های مثنوی یوسف و زلیخا به زبان اردو

- 2 ابوالحسن فرید آبادی، شرح فارسی حکیم محمد ساجدجهنجانوی را ترجمه کرد.  
 چاپ ۱۳۱۰ هـ  
 2 منشی بالک رام گهر لکهنوی، چاپ ۱۳۱۱ هـ.  
 2 منشی سعید احمد بن فتح محمد تائب، چاپ ۱۳۲۴ هـ.  
 چندین مثنوی عشقی به زبان‌های سندی و پنجابی نیز به تقلید از یوسف و زلیخای جامی سروده شد و مثنویات پنجابی، به ویژه مثنوی سیف‌الملوک سروده میان محمد بخش (۱۸۳۰-۱۹۰۷ م) تاثیر پذیر از مثنوی جامی است.

## آثار جامی در مدارس دینی شبه قاره

مدارس و مکاتب دینی شبه قاره در ترویج آثار جامی در این منطقه نقش به سزایی دارند. فوایدالضیائیة جامی و حاشیة لاری بر آن، جزو برنامه درسی «درس نظامی» بوده است<sup>۱</sup>. درس نظامی را مولانا نظام‌الدین محمد سهالوی (۱۰۸۸-۱۱۶۱ هـ) تدوین کرده بود. در قرن نوزدهم میلادی، برخی مدارس بومی هندوستان، هر یکی برای خودشان برنامه‌های درسی ترتیب دادند. در این برنامه نیز آثار جامی قرار گرفته بود. چنانچه دارالعلوم دیوبند و مظاهرعلوم سهارنپور (هر دو در ۱۲۸۳ هـ / ۱۸۶۶ م تاسیس شده‌اند) فوایدالضیائیة را در سال پنجم تدریس می‌کردند. مظاهرعلوم سهارنپور برای آموزش زبان فارسی در سال ششم، تدریس نفحات‌الانس را در نظر گرفت.

۱. اختر راهی، تذکره مصنفین درس نظامی، ص ۱۸، ۲۰.

سجان رای بتالوی در خلاصةالمکاتیب (سال تالیف ۱۱۰۰ هـ) برای آموزش فارسی چندین کتاب تجویز کرده است که از میان آثار جامی یوسف و زلیخا، سبحةالابرار و تحفةالاحرار نیز جزوش است.

### کتاب‌شناسی جامی در شبه قاره

تذکره‌های عمومی بزرگان که در شبه قاره تالیف شده، خالی از ذکر جامی نیست. چنانچه:

محمد غوثی ماندوی گجراتی در اذکارالابرار (سال تالیف ۹۹۸ تا ۱۰۲۲ هـ)؛

محمد هاشم کشمی در نسمةالقدس من حدایقالانس (سال تالیف ۱۰۳۸ هـ)،

شرح حال شاگردان جامی را آورده است.

محمد داراشکوه در سفینةالاولیا (سال تالیف ۱۰۴۹ هـ)؛

میر علی شیر قانع تتوی در معیار سالکان طریقت (سال تالیف ۱۲۰۲ هـ)؛

مفتی غلام سرور لاهوری در خزینةالاصفیا (سال تالیف ۱۲۸۱ هـ)؛

مولوی فقیر محمد جهلمی در حدایقالحنفیه (سال تالیف ۱۲۹۷ هـ)

شرح حال جامی را آورده‌اند.

چند کتاب مستقل نیز در احوال و آثار جامی به زبان اردو نوشته شده است:

حیات جامی از حافظ محمد اسلم جیراج‌پوری (۱۲۹۹ - ۱۳۷۵ هـ)، چاپ دهلی.

سوز جامی از طالب هاشمی، چاپ لاهور، ۱۹۷۳ م.

جامی از علی اصغر حکمت، ترجمه و تحشیه و اضافات و تکمله از عارف

نوشاهی، اسلام‌آباد، چاپ اول ۱۹۸۳ و چاپ دوم ۲۰۱۲ م.

### منابع

۱. اختر راهی، تذکره مصنفین درس نظامی، لاهور، مکتبه رحمانیه، ۱۹۷۸ م.
۲. افصح‌زاد، اعلا خان، نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸ ش.

۳. بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، تهران، کتاب‌های پرستو، چاپ سوم، ۱۳۴۹ ش.
۴. جامی، مثنوی هفت اورنگ، به تصحیح و مقدمه آقا مرتضی مدرس گیلانی، تهران، کتابفروشی سعدی، چاپ دوم، بدون تاریخ.
۵. جهان آرا بیگم، رساله صاحبیه، به تصحیح محمد اسلم، به کوشش سردار علی احمد خان، لاهور، ۱۹۹۳ م.
۶. زبید احمڈی ادبیات میں پاکت و ہند کا حصہ، ترجمہ شاہد حسن رزاقی، لاهور، اداره ثقافت اسلامیہ، چاپ سوم، ۱۹۹۱ م.
۷. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۶-۱۳۵۳ ش.
۸. عبدالباقی سہسوانی، حیات‌العلماء، مرتبه حنیف نقوی، کونسل برای فروغ اردو، دہلی، ۲۰۱۰ م.
۹. عبدالواسع نظامی باخرزی، مقامات جامی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات نجیب مایل هروی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. غلام نظام‌الدین مرولوی، «ایک سو ایک سال بعد» در مرآت‌العاشقین، جامع سید محمد سعید، لاهور، اسلامک بک فاؤنڈیشن، ۱۹۸۱ م.
۱۱. گلہوی، محمد، خیرالاذکار فی مناقب‌الابرار، ترتیب و حواشی عبدالعزیز ساحر، ۲۰۱۰ م.
۱۲. لاری، رضی‌الدین عبدالغفور، تکمله حواشی نفحات‌الانس، به تصحیح و مقابله و تحشیه علی اصغر بشیر هروی، کابل، انجمن جامی، ۱۳۴۳ ش.
۱۳. لودی، شیر علی خان، تذکرہ مرآت‌الخیال، به اهتمام حمید حسنی، با همکاری بهروز صفر زاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. محمد باقر، «روابط جامی با هند و پاکستان» در تجلیل پنج صد و پنجاهمین سال تولد نورالدین عبدالرحمن جامی، کابل وزارت اطلاعات و نشریات، ۱۳۴۴ ش.
۱۵. محمد بیدری، سید، مدرسه محمود گاوان بیدر، کراچی، مکتبه زیبر، ۱۳۹۴ ق.
۱۶. محمود گاوان، عمادالدین محمود گیلانی، ریاض‌الانشاء، به تصحیح و تحشیه چاند بن حسین، به اهتمام غلام یزدانی، حیدرآباد، دکن، دارالطبع سرکار عالی، ۱۹۴۸ م.
۱۷. نجم‌الدین، مناقب‌المحبوبین، مطبع محمدی، لاهور، ۱۳۱۲ هـ.